مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی
دوره ۲۶، شماره ۱، بهار ۹۵، صفحات ۵۶ تا ۶۰

Original Article

پیش بینی رابطه بین هوش معنوی و کمال‌گرایی با راهبردهای مقابله‌ای در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهر شوش

سید رحمت الله موسوی مقدم[۱]، ندا ظهیری خواه[۲]، آرزو باورصادجانی[۳]

[۱] دانشیار، مدیرگروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام
[۲] کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان
[۳] دانشجوی کارشناسی روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اندیمشک

چکیده

سابقه و هدف: *هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و منابع معنوی است. گرایش به کمال و کمال گرایی در نهادهای انسان ها وجود دارد و راهبردهای مقابله‌ای عبارت از شیوه‌های آگاهانه و منطقی مدارا با اضطراب‌های زندگی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین هوش معنوی و کمال گرایی با راهبردهای مقابله‌ای در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شوش بود.*

روش بررسی: *در این پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی، از کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور شهر شوش، تعداد ۲۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه کمال گرایی هویت و فلت (۱۹۹۱)، هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) و راهبردهای مقابله‌ای بود. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS 21 و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.*

یافته‌ها: *رابطه معنی‌داری میان هوش معنوی و راهبردهای مقابله‌ای و میان کمال‌گرایی و راهبردهای مقابله‌ای وجود داشت؛ به گونه‌ای که با افزایش هوش معنوی و کمال گرایی، میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای نمونه مورد بررسی بیشتر شد. همچنین، رابطه معنی دار و مثبتی میان کمال‌گرایی و هوش معنوی وجود داشت.*

نتیجه‌گیری: به دلیل تاثیر هوش معنوی و کمال گرایی بر بهداشت روانی، به خصوص استفاده از استراتژی‌های مقابله‌ای، بهتراست که مردم با افزایش هوش معنوی و کمال گرایی، به طرق مختلف، باعث تسهیل تصمیم گیری‌هایشان در زندگی شوند.

واژگان کلیدی: *هوش معنوی، کمال گرایی، راهبردهای مقابله‌ای، دانشجویان.*

مقدمه

در سال‌های اخیر، روان‌شناسان سازه‌ای را به عنوان عامل مهم تاثیرگذار بر سلامت روان به نام هوش معنوی معرفی کرده‌اند که توجه و علاقه‌ی جهانی را برانگیخته است. با توجه به این‌که هوش معنوی یک سازه جدید است، تحقیقات تجربی موجود در این زمینه اندک است. هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روان شناسان به حوزه دین و معنویت، مطرح شده که سازه های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند (۱). هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و منابع معنوی است که کاربست آن‌ها موجب افزایش انطباق پذیری و در نتیجه سلامت روان افراد می‌شود (۲، ۳). هوش معنوی به ما اجازه می‌دهد که تا آنجایی که ممکن است موقعیت را تغییر و یا بهتر کرده و در واقع، آن را اداره کنیم (۴). در ضمن باعث می‌شود تا از اطلاعات معنوی در حل مشکلات روزانه استفاده شود و در نتیجه باعث سازگاری فرد می گردد (۵). از دیدگاه واگان، هوش معنوی، یک‌پارچه‌کننده زندگی درونی و معنوی با زندگی بیرونی و محیط کار است، به طوری که می‌تواند در کاهش مشکلات و مسائل بیرونی و اجتماعی موثر واقع شود. از

آدرس نویسنده مسئول: اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات خوزستان، ندا ظهیری خواه
(**email**: nedazahirikhah@gmail.com)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۴/۱۶
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۶/۲۳

دیدگاه اوهوش معنوی برای شناسایی انتخاب‌هایی که در بهزیستی روان‌شناختی و رشد سلامتی کل بشر نقش دارند، امری لازم است؛ بنابراین، هوش معنوی مکانیسمی است که توسط آن کیفیت زندگی افراد، بهبود می‌یابد (۶). اصولاً گرایش به کمال و کمال‌گرایی در نهاد انسان‌ها وجود دارد و در حکم خصیصه‌ای مثبت تلقی می‌شود، زیرا انرژی را پدید می‌آورد که منجر به پیشرفت و موفقیت فرد می‌شود. اصرار و مداومتی که هنرمندان بزرگ در خلق آثارشان به خرج می‌دهند و مداومتی که در این راه نشان می‌دهند از کمال گرایی آنان نشأت می گیرد؛ اما، روند دستیابی به کمال در همه انسان‌ها به طور مثبت پیش نمی رود. می‌توان گفت کمال‌گرایی تا زمانی به نفع فرد است که در ارتباط با خودش و به منظور به فعالیت در آوردن همه ظرفیت‌ها و استعدادهایش صورت گیرد. هنگامی که گرایش به کمال، با رقابت و پیشی گرفتن از دیگران و صرفاً به منظور کسب تأیید و رضایت خاطر آنان صورت گیرد، جنبه منفی و به عبارت دیگر نابهنجار پیدا می‌کند، به طوری که بعضی از تحقیقات، مبین رابطه بین کمال گرایی با برخی اختلالات روانی از جمله افسردگی هستند؛ یعنی هر چه کمال گرایی غیر منطقی فرد بیشتر باشد، احتمال بروز افسردگی در وی نیز افزایش می‌یابد (۷). کسانی که کمال‌گرایی مثبت (بهنجار) دارند، معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند، اما به جای اینکه رسیدن و یا نرسیدن به آن معیارها برایشان مهم باشد، نفس تلاش کردن برای رسیدن به هدف در نظرشان اهمیت دارد. در مقابل، افراد کمال‌گرای منفی (نابهنجار) یا روان رنجور، بیشتر در فکر آن هستند که مبادا اشتباهی از آنها سر بزند و هیچ وقت احساس پیروزی نمی‌کنند. کسانی که کمال‌گرایی منفی دارند، حتی اگر از دیگران بهتر کار کنند، اما باز هم احساس رضایت نمی‌کنند، خود را سرزنش می کنند (۱۱-۸). فلت و هیویت در پژوهش خود به جنبه‌های مثبت و منفی کمال‌گرایی اشاره دارند و بیان می‌دارند توجه موشکافانه به جزئیات و تعهد دو مؤلفه اصلی کمال‌گرایی مثبت است و وجود این دو بعد در افراد با کمال‌گرای مثبت باعث شکوفایی توانایی‌های آنها و ارتقاء افکار خلاقانه می‌شود که این دو مؤلفه نیز جزء ویژگی‌های افراد خلاق است (۸). راهبردهای مقابله‌ای عبارت از شیوه‌های آگاهانه و منطقی مدارا با اضطراب‌های زندگی هستند. افراد را می‌توان بر حسب انواع سبک‌های مقابله‌ای مساله محور، هیجان محور و اجتنابی از یکدیگر متمایز کرد (۱۲). راهبرد مساله مدار شامل جستجوی اطلاعات بیشتر درباره مساله، تغییر ساختار مساله از نظر شناختی و اولویت دادن به گام‌هایی برای مخاطب قرار دادن مساله می‌شود. راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار شیوه‌هایی را توصیف می‌کند که بر اساس آن، فرد بر خود متمرکز شده و تمام تلاش او متوجه کاهش احساسات ناخوشایند خویش است. واکنش‌های مقابله‌ای هیجان مدار شامل گریه کردن، عصبی و ناراحت شدن، پرداختن به رفتارهای عیب‌جویانه، اشتغال ذهنی و خیال پردازی است و راهبرد اجتنابی مستلزم انکار یا کوچک شمردن موقعیت‌های تنش‌زا است. افرادی که از این روش استفاده می‌کنند، هشیارانه تفکرات تنش‌زا را واپس رانی کرده و تفکرات دیگری را جایگزین آن می‌کنند (۱۳). سعادتی و لشنی در تحقیقی نشان دادند که تفاوت نمرات دختران و پسران در دو متغیر هوش معنوی و راهبردهای مقابله با استرس معنی‌دار است. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد که رابطه معنی‌داری میان دو متغیر هوش معنوی و راهبردهای مقابله با استرس وجود دارد و هوش معنوی می‌تواند پیش بینی کننده راهبردهای مقابله با استرس باشد (۱۴). بشارت و همکارانش در تحلیل داده‌های خود نتیجه‌گیری کردند که بین کمال‌گرایی مثبت و سبک‌های مقابله مسئله محور و هیجان محور مثبت، همبستگی مثبت وجود دارد، در حالی که بین کمال‌گرایی مثبت و سبک مقابله هیجان محور منفی همبستگی منفی وجود دارد. این روابط در مورد کمال‌گرایی منفی معکوس بود (۱۵). توکلی زاده و همکارانش در تحقیقی نشان دادند که بین راهبردهای مقابله‌ای و هوش معنوی رابطه معنی‌داری موجود نیست و همچنین از میان سه سبک مقابله‌ای تنها سبک مقابله‌ای هیجان مدار با هوش معنوی همبستگی منفی معنی‌داری دارد (۱۶). شهبازی راد و حقیقی کرمانشاهی در تحقیق خود دریافتند که بین سبک‌های مقابله‌ای هیجان مدار و اجتناب مدار با کمال‌گرایی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. بین دانشجویان دختر و پسر در کمال‌گرایی تفاوت معنی‌داری مشاهده شد و دختران کمال گراتر از پسران بودند. در سبک‌های مقابله‌ای هم تنها در بعد سبک مقابله‌ای هیجان مدار تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران وجود داشت و دختران بیشتر از پسران از سبک مقابله‌ای هیجان مدار استفاده می‌کردند (۱۷).

لذا، با توجه به اهمیت مسائل ذکر شده در بالا، در این پژوهش، محقق قصد داشت که رابطه بین هوش معنوی و کمال‌گرایی را با راهبردهای مقاله مورد بررسی قرار دهد.

مواد و روشها

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. از بین کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور شهر شوش، با استفاده از جدول نمونه‌گیری کرسی و مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، تعداد ۲۸۰ نفر، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش، شامل پرسش‌نامه کمال‌گرایی هویت و فلت (Hoet & Felt) (۱۰)، هوش معنوی کینگ (King) (۳) و راهبردهای مقابله‌ای بود.

مقیاس چند بعدی کمال گرایی (Multidimensional Perfectionism Scale: MPS)

پرسش‌نامه ای است که در سال ۱۹۹۱ توسط هویت و فلت ساخته شد و دارای ۳۰ سوال است که سه بعد کمال گرایی خودمدار، کمال گرایی دیگرمدار و کمال گرایی جامعه مدار را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ می سنجد. هر یک از سه بعد با ۱۰ سوال سنجیده می‌شوند. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های سه گانه آزمون، به ترتیب ۱۰ و ۵۰ خواهند بود. هویت و فلت (۱۹۹۱)، در پژوهش خود بر روی یک نمونه ۲۶۳ نفری از بیماران، هماهنگی درونی مقیاس MPS خود را قابل قبول اعلام کردند که به ترتیب برای ابعاد کمال گرایی خود مدار، دیگر مدار و جامعه مدار برابر با ۰/۸۸، ۰/۷۴ و ۰/۸۱ بود. به علاوه، در پژوهشی که بشارت (۱۳۸۴) انجام داد، ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد کمال گرایی خود مدار ۰/۸۹، برای کمال گرایی دیگر مدار ۰/۸۳ و برای کمال گرایی جامعه مدار ۰/۷۸ بود که نشانه هماهنگی درونی بالای این مقیاس است.

مقیاس هوش معنوی

این پرسشنامه که توسط کینگ (۲۰۰۸) ساخته شده است دارای ۲۴ آیتم است (۳) و بر اساس مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای پاسخ داده می‌شود. با استفاده از تحلیل اکتشافی در یک نمونه ۶۱۹ نفری از دانشجویان دانشگاه تورنتو کانادا در سال ۲۰۰۷، آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و پایایی از طریق تنصیف ۰/۸۴ به دست آمد. در مطالعه‌ای دیگر با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی، آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و آلفای استاندارد نیز، ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین، نادری و همکاران در پژوهش خود، روایی همگرایی این پرسشنامه را ۰/۶۶ محاسبه نمودند.

پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای

این پرسشنامه شامل ۴۸ سوال است که سه راهبرد مقابله‌ای مساله مدار، هیجان مدار و اجتنابی را می‌سنجد. هر راهبرد مقابله‌ای به وسیله ۱۶ سوال سنجیده می‌شود. راهبرد مقابله‌ای اجتنابی به دو خرده مقیاس توجه برگردانی و سرگرمی اجتماعی تقسیم می شود. پاسخ به هر سوال بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از هرگز تا همیشه مشخص می شود. اندلر و پارکر (۱۹۹۰) (۱۸) ضرایب اعتبار درونی این پرسشنامه را در نمونه های بهنجار متنوعی بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ به دست آوردند. شکری (۱۳۸۷)، ضرایب آلفای کرونباخ برای راهبرد مساله مدار، هیجان مدار و اجتنابی را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ به دست آورد.

محقق بعد از شرح هدف این پژوهش برای افراد نمونه، به آنان پرسش‌نامه‌های مذکور را ارائه کرد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS 21 و روش‌های آمار توصیفی، مانند فراوانی و روش‌های آمار استنباطی، از جمله ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها

لز ۲۸۰ فرد مورد بررسی، ۱۰۰ نفر مرد و ۱۸۰ نفر زن بودند (جدول ۱).

جدول۱. توزیع فراوانی نمونه آماری تحقیق بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
دانشجویان مرد	۱۰۰	۳۵/۷۱
دانشجویان زن	۱۸۰	۶۴/۲۹
جمع	۲۸۰	۱۰۰

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود بیشترشان متأهل با فراوانی ۴۹/۶۴ درصد (۱۳۹ نفر) بودند.

در جدول ۳ با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون به بررسی رابطه میان هوش معنوی و راهبردهای مقابله‌ای پرداختیم. سطح معنی‌داری به دست آمده در این آزمون (p=۰/۰۳۰) نشان دهنده قبول فرض یک و رد فرض صفر بود، و رابطه معنی‌داری با ضریب همبستگی ۰/۸۱۶ میان هوش معنوی و راهبردهای مقابله‌ای وجود داشت. به عبارتی، با افزایش هوش معنوی، استفاده از راهبردهای مقابله‌ای نمونه مورد بررسی افزایش می‌یافت.

جدول۲. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
مجرد	۱۰۶	۳۷/۸۶
متأهل	۱۳۹	۴۹/۶۴
بدون پاسخ	۳۵	۱۲/۵۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون بین هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای

	ضریب همبستگی	P-value
هوش معنوی – راهبردهای مقابله‌ای	۰/۸۱۶	۰/۰۳۰

جدول ۴، ضریب همبستگی پیرسون بین کمال‌گرایی و راهبردهای مقابله‌ای را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری به دست آمده در این آزمون (p=۰/۰۰۱) نشان دهنده قبول فرض یک و رد فرض صفر بود، و رابطه معنی داری با ضریب همبستگی ۰/۵۴۵ میان کمال گرایی و راهبردهای مقابله‌ای وجود داشت. به عبارتی، با افزایش کمال گرایی، میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای نمونه مورد بررسی افزایش می‌یافت.

جدول ۴. ضریب همبستگی پیرسون بین کمالگرایی و راهبردهای مقابله‌ای

	ضریب همبستگی	P-value
کمالگرایی – راهبردهای مقابله ای	۰/۵۴۵	۰/۰۰۱

در جدول ۵، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون به بررسی رابطه میان کمال‌گرایی و هوش معنوی پرداختیم. سطح معنی‌داری به دست آمده در این آزمون (p=۰/۰۲) نشان دهنده قبول فرض یک و رد فرض صفر بود. یعنی رابطه معنی دار و مثبتی با ضریب همبستگی ۰/۵۳۴ میان کمال‌گرایی و هوش معنوی وجود داشت. به عبارتی، با افزایش کمال گرایی، هوش معنوی نمونه مورد بررسی افزایش می‌یافت.

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون بین کمالگرایی و هوش معنوی

	ضریب همبستگی	P-value
کمالگرایی - هوش معنوی	۰/۵۳۴	۰/۰۲۰

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش معنوی و کمال‌گرایی با راهبردهای مقابله‌ای در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهر شوش صورت گرفت. در مورد رابطه هوش معنوی و کمال‌گرایی با راهبردهای مقابله‌ای تحقیقات میدانی کمی صورت گرفته است، ولی بر اساس ادبیات تحقیق این نتیجه قابل توجیه است. نتایج حاکی از این مسئله بود که بین هوش معنوی و کمال گرایی با راهبردهای مقابله‌ای رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به طوری که نتیجه فرضیه اول رابطه معنی داری با ضریب همبستگی ۰/۸۱۶ میان هوش معنوی و میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای را نشان داد؛ به عبارتی با افزایش هوش معنوی، میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای نمونه مورد بررسی افزایش می‌یافت. نتایج حاضر هم‌سو با یافته سعادتی و لشنی (۱۳۹۰) است که هوش معنوی پیش بینی کننده استفاده از راهبردهای مقابله‌ای بود، در حالی که با نتایج تحقیق توکلی زاده و همکارانش (۱۳۹۲) هم‌خوانی نداشت، زیرا در تحقیق توکلی زاده و همکارانش رابطه معنی داری بین هوش معنوی و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مشاهده نشد و علت را می توان به سوگیری شرکت کنندگان در تحقیق توکلی زاده و همکارانش نسبت داد (۱۶).

همچنین تحلیل فرضیه دوم نیز نشان داد که رابطه معنی‌داری با ضریب همبستگی ۰/۵۴۵ میان کمال گرایی و میزان استفاده از راهبردهای مقابله ای وجود دارد، به گونه‌ای که با افزایش کمال‌گرایی، میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای نمونه مورد بررسی بیشتر می‌شد که این نتایج همسو با یافته بشارت و همکارانش (۱۳۸۷) (۱۵) و شهبازی راد و حقیقی کرمانشاهی (۱۳۹۱) (۱۷) است.

نتیجه فرضیه سوم هم بیانگر رابطه معنی‌دار و مثبتی با ضریب همبستگی ۰/۵۳۴ میان کمال‌گرایی و هوش معنوی است؛ یعنی با افزایش کمال‌گرایی، هوش معنوی نمونه مورد بررسی افزایش می‌یافت و با این اوصاف، کلیه فرضیه‌های پژوهش تایید شدند.

این پژوهش هم مانند سایر پژوهش‌ها، دارای یک سری محدودیت‌ها بود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش، فقط محدود به دانشجویان بود، لذا، مشکل در تعمیم یافته‌های پژوهش به کل جمعیت وجود دارد. به علاوه، به علت زیاد بودن تعداد سوالات و طولانی بودن آن‌ها، احتمال می‌رود گاهی دقت کافی در پاسخگویی به سوالات صورت نگرفته باشد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در جوامع دیگر و همچنین بر روی هر دو جنس صورت پذیرد تا خلأها و تناقضات تحقیق مشخص شود. کاربردی که نتایج حاصل از تحقیق حاضر دارد این است که استفاده صحیح از راهبردهای مقابله‌ای را به دانشجویان می‌آموزد تا در جای مناسب از این راهبردها استفاده نمایند.

REFERENCES

1. Emmons RA, ed. The psychology of ultimate concerns: Motivation and spirituality in personality. New York: Guilford 1999. P. 102–38.

2. Zohar D, Marshall I, eds. Connecting with our spiritual intelligence. New York: Bloomsbury; 2000. P. 324.

3. King DB, ed. Rethinking clams of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. MSc Dissertation. Canada: Trent University, College of arts and sciences; 2008 P.32-48.

4. Charlton PF, Power MJ. The assessment dysfunctional attitudes and their role in the onset, persistence and recurrence of clinical depression. Ear J Peers 1995; 9: 379-400.

5. Emmons RA. Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition and the psychology of the ultimate concern. Into J Psychology Relic 2000; 10: 3-26.

6. Vaughan F. What is spiritual intelligence?. J Hum Psychol 2002; 42: 16-33.

7. Shahbakhsh A. Comparison between the dimensions of perfectionism, social support and burnout among students with high and low levels of academic burnout [MA Thesis]. Tehran: Tabatabaei University; 2014. [In Persian]

8. Flett GL, Hewitt PL. Positive versus negative perfectionism in psychology: a comment on Slade and Owens's dual process model. Behav Modif 2006; 30: 472-95.

9. Flett GL, Hewitt PL. Perfectionism and maladjustment: an overview of the oretical, definitional, and treatment issues. In: Hewitt PL, Flett GL, eds. Perfectionism: theory, research, and treatment. Washington, DC: American Psychological Association; 2002.P. 5-31.

10. Flett GL, Hewitt PL. The perils of perfectionism in sports and exercise. Curr Dir Psychol Sci 2005; 14: 14-18.

11. Haase AM, Prapavessis H. Assessing the factor structure and composition of the positive and negative perfectionism scale in sport. Journal of Personality and Individual Differences 2003; 36: 1725-40.

12. Pourafkari NA, ed. Comprehensive dictionary of psychology and psychiatry. 6th ed. Tehran: Shahr-e Ab Publications; 1995.

13. Roshan R, Hasanvand amouzandeh M. Ways of coping with stress and vulnerability to drug abuse. Proceedings of the Sixth Congress of Mental Health, Tehran, Iran 2013; 5: 99-105.

14. Saadati H, Lashni G. Spiritual intelligence and coping strategies. Journal of Rehabilitation 2012; 6 .

15. Besharat MA, Nadali H, Zabardast O, Salehi M. Perfectionism and coping styles. Health Psychol 2009; 17: 53-55.

16. Tavakolizadeh J, Soltani A, Panahi M. Marital adjustment: The predictive role of spiritual intelegence and coping strategeis. Horizon Med Sci 2014; 19:57-63.

17. ShahbaziRad A, HaghighiKermanshahi M. Relationship between perfectionism and coping styles among students of Razi University. The first National Conference on personality and new life, Tehran, Iran 2012; 3: 51-59.

18. Endler NS, Parker JD. Multidimensional assessment of coping: a critical evaluation. J Pers Soc Psychol 1990; 58:844-54.